

بررسی بازتاب عشق به وطن در شعر بهار و ابراهیم طوقان

علی سلیمی*

پیمان صالحی**

چکیده

از آنجا که ایران و فلسطین، در طول تاریخ خود، همواره با حوادث فراوانی، دست به گریبان بوده‌اند، لذا ادبیات پایداری در این دو سرزمین، به شکلی بسیار برجسته رواج یافته است. بیان شاعرانه حس وطن دوستی، مبارزه علیه استبداد و استعمار، و فداکاری در راه وطن، از ویژگی‌های بارز این گونه‌ی ادبی بوده که در شعر پایداری این دو سرزمین، بازتابی گسترده داشته است.

در جای جای دیوان اشعار، شاعر آزادی‌خواه ایرانی، ملک‌الشعرای بهار، و شاعر ملی‌گرای فلسطینی، ابراهیم طوقان، احساس عشق به وطن و جان بازی در راه آزادی آن، به خوبی متجلی است، و به دلیل اینکه درون‌مایه‌ی اصلی شعر میهنی این دو، تحریک حس وطن دوستی و تکیه بر ملی‌گرایی، به منظور خلق روحیه‌ی پایداری در میان مردم است، لذا شعر اجتماعی و سیاسی این دو، وجوه اشتراک فراوانی با هم یافته است.

کلیدواژه‌ها: عشق به وطن، ملی‌گرایی، شعر پایداری، ایران، فلسطین، ملک‌الشعرای بهار، ابراهیم طوقان.

*. دانشیار گروه عربی دانشگاه رازی.

** دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی.

۱. مقدمه

دو ادبیات کهن فارسی و عربی، از مهم‌ترین ادبیات‌های تمدن بشری به شمار می‌آیند، که هر نوع و گونه ادبی را در خود جای داده‌اند و در طول تاریخ پربارشان، آن را آزموده‌اند. به همین دلیل وقتی صحبت از ادبیات مقاومت یا پایداری به عنوان یک نوع خاص ادبی به میان می‌آید، بی‌تردید؛ در شکل کلی و عام خود، در متون ادبی این دو زبان از گذشته تا به حال وجود داشته و در جای جای آن‌ها، گاه به شکل معمولی و گاه به اشکال برجسته، خود را به نمایش می‌گذارد.

پس از هجوم دشمنان و درگیری و پدیده مقاومت، نوبت به ادبیات مقاومت می‌رسد، تا ملت‌ها به واسطه آن بتوانند اندیشه‌ها، از خودگذشتگی‌ها و مفاخر تاریخ مقاومت خود را در ادبیات نشان دهند. لذا پژوهش حاضر در پی بررسی صورت‌های متفاوت حس وطن دوستی در اشعار این دو شاعر بوده تا با یک نگاه تطبیقی، هم افکار ناسیونالیستی این دو شاعر را نشان دهد و هم تأثیرگذاری این ادبیات را بر افکار آنان آشکار سازد، در کنار این‌ها؛ سبک شاعری آن دو و نوآوری‌هایی که در ادبیات مقاومت داشته‌اند، بیان شده است. این تحقیق می‌کوشد به پرسش زیر پاسخ گوید: *رمان‌های مقاومت ادبی* و مطالعات فرهنگی

حس ملی‌گرایی و عشق به وطن در شعر ملک شعرای بهار و ابراهیم طوقان چه جلوه‌هایی داشته است؟

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه افکار و اندیشه‌های میهن‌پرستانه بهار و طوقان در ادبیات مقاومت، تحقیقاتی صورت گرفته از آن جمله؛ مقاله «حاکمیت و رهبری در اندیشه بهار»، از رسول حسن زاده، (۱۳۸۵) در فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال شانزدهم،

شماره ۶۱، که در آن ویژگی‌ها و شرایط رهبر در جامعه ایران از دیدگاه بهار ذکر شده است. مقاله «بررسی مفهوم وطن در اشعار بهار و رصافی»، از ناصر محسنی نیا و فاطمه دانش، (۱۳۸۸) در نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره اول، که در آن به دیدگاه‌های بهار در مورد وطن پرداخته شده و وطن در ایران باستان و ورود اسلام به آن بررسی و بخشی از آن به افتخارات این مرز و بوم، مختص گردیده است. مقاله «مقایسه ناسیونالیسم در اشعار ملی عارف قزوینی و ابراهیم طوقان»، از مهدی ممتحن (۱۳۸۸)، در نشریه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۰، که در آن وطن پرستی این دو شاعر مورد بررسی قرار گرفته و وجوه اشتراک آن دو ذکر شده است. مقاله «حضور سیاسی بیگانگان در دیوان ملک‌الشعراى بهار»، از غلامعلی فلاح، (۱۳۸۳)، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال دوازدهم، شماره ۴۷، که در آن حضور استعمارگران در عرصه‌های مختلف سیاسی ایران و مخالفت بهار با این حضور مورد تحلیل قرار گرفته است. «ابراهیم طوقان پایه گذار شعر مقاومت»، از کبری روشن‌فکر (۱۳۸۶) در مجله الجمعیه ایرانیه للغة العربیة، شماره ۸، در این مقاله در مورد دلایل ایجاد ادبیات مقاومت توسط طوقان، سبک شاعری و برخی دیدگاه‌های ناسیونالیستی ایشان سخن گفته شده است. مقاله «مشروع منهج متكامل لدراسة الأدب الفلستین الحدیث»، حسام خطیب، (۲۰۰۱)، مجله نزوی شماره ۳۱، در این مقاله اشاراتی گذرا به ابراهیم طوقان به عنوان یکی پایه گذاران ادبیات مقاومت؛ و نیز سبک شاعری او نظراتی ارائه شده است. اما پژوهش حاضر مزایای زیر را دارد، اولاً؛ دیدگاه‌های وطن‌پرستانه این دو شاعر از زوایای متفاوت مورد بررسی قرار گرفته و نکات موجود در این دیدگاه‌ها ذکر شده است، یعنی فقط به ذکر وجوه مشترک ملی‌گرایی آنان پرداخته نشده، بلکه سعی گردیده تا مزیت هر کدام بر دیگری با دلیل بیان شود. ثانیاً؛ نوآوری‌هایی را که این دو شاعر برجسته در ادبیات مقاومت

داشته‌اند؛ با ذکر شواهد کافی بیان گردیده است.

۳. زندگی ملک‌الشعرای بهار و ابراهیم طوقان

زندگی دو شاعر تقریباً هم‌زمان با هم بوده است. بهار در سال ۱۲۶۵ ش. در مشهد به دنیا آمد، وی لقب ملک‌الشعرایی را از پدر؛ به ارث برد. دوران زندگی بهار، سرشار از ماجراهای سیاسی بسیاری بود که با روحیه پرشور و حساس و وطن پرستی او هرگز همسو نبود، شرایط حاکم بر این دوران او را واداشت تا مقالاتی تند و اشعاری انقلابی جهت شوراندن مردم بسراید و پادشاه زمان خود را نکوهش کند که همگی در روزنامه‌های مشهد به چاپ رسید. شعر او آئینه حوادث زمانش می‌باشد و به شدت رنگ سیاسی و اجتماعی دارد، «ملک‌الشعرای بهار؛ ستایشگر بزرگ آزادی است و از شاعران بزرگ، هیچ کس به خوبی او از آزادی سخن نگفته است.» (زرین کوب، ۱۳۷۳، ۳۷۴) شعرش پس از ورود به صف مشروطه خواهان؛ رنگ و بوی اجتماعی و معترضانه به خود گرفت. (امین پور، ۱۳۸۴، ۴۰۶) او در بسیاری از اشعارش، با زبان فاخر و استواری، ... زبان گویای اکثریت خاموش جامعه خود بود (رادفر، ۱۳۸۸، ۷۷) بهار از زمان فتح تهران به بعد، به نگارش مقالات سیاسی - اجتماعی، در روزنامه‌های ملی، پرداخت. به همین دلیل بارها روانه زندان شد، ولی از نگارش باز نایستاد. وی در سال ۱۳۳۰ درگذشت.

ابراهیم طوقان نیز در سال ۱۹۰۵ در خانواده‌ای دوستدار علم و ادب در نابلس به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه «الرشیدیّه» آن شهر به اتمام رساند و در سال ۱۹۲۳ در دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول به تحصیل شد و در سال ۱۹۲۹ فارغ‌التحصیل گردید. در این مدت روزنامه‌های لبنان شعرهای او را چاپ می‌کردند. طوقان در دانشگاه با ادیبان و شاعران برجسته‌ای چون (حافظ جمیل) از عراق، (وجیه بارودی) از سوریه و (عمر فروخ)

از لبنان که بعدها زندگینامه ابراهیم طوقان را نوشت، آشنا شد. در سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۳۲ در گروه زبان عربی دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول به تدریس شد. در سال ۱۹۳۶ مدیر گروه عربی رادیو قدس شد و مدت چهار سال در این سمت باقی ماند. وی در سال ۱۹۴۱ درگذشت. (بکار، ۲۰۰۴، ۸۱، الخضراء الجیوسی، ۲۰۰۱، ۳۵۴، المحاسنی، ۲۰۰۷، ۱۰) غالباً ابراهیم طوقان را به عنوان "پایه گذار شعر مقاومت فلسطین به شمار می‌آورند." (روشن فکر، (۱۳۸۶)، (۱۱۷)

۴. عشق به وطن در شعر دو شاعر

مفهوم وطن در دوران معاصر و به ویژه در عصر مشروطه؛ مهم‌ترین موضوع مورد اهتمام شاعران بوده است. عشق به ایران؛ همواره در شعر بهار موج می‌زند و یکی از پرسامدترین مضامین اشعار اوست که به آن تازگی و حیات و طراوت می‌بخشد. این شیفتگی شدید باعث سرودن تصنیف‌های وطنی قوی مایه‌ای شده که هنوز هم ورد زبان‌هاست. «بهار ادیب بزرگ میهن پرستی است.» (ناتل خانلری، ۱۳۷۰، ۳۹۴) چرا که وی وطن دوستی را ارزشی اخلاقی - دینی می‌داند:

هر که را مهر وطن در دل نباشد، کافر است
معنی حبّ الوطن، فرموده پیغمبر است
(بهار، ۱۳۸۰، ۱/۶۶۹)

بهار در جایی دیگر چنین می‌گوید:

خدمت من مخفی و پوشیده نیست
لیک زخود وصف پسندیده نیست
سال شد از بیست فزون تا که من
گشته‌ام آواره حبّ الوطن

(همان: ۲ / ۱۵۵)

نکته قابل توجه در اشعار وطنی بهار این است که وی در بیشتر جاهایی که از وطن یاد

کرده؛ تنها به توصیف و ستایش محض پرداخته بلکه سعی نموده با تحریک احساسات وطنی، نابسامانی‌های آن را نیز به یاد آورد؛ تا بلکه حس ناسیونالیستی حاکمان خفته این مملکت را بیدار کند:

ای خطه ایران مهین ای وطن من ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من
تا هست کنار تو پر از لشکر دشمن هرگز نشود خالی از دل من محن من

(همان، ۱، ۲۰۸)

شاعر فلسطینی، ابراهیم طوقان نیز، بیانی شبیه به بهار در این زمینه دارد، و از مهم‌ترین عوامل سیاسی سرایش اشعار وطنی او؛ حضور یهودیان و حمایت بی‌دریغ استعمار انگلیس از آنان بود که وی را بر آن داشت تا برای تشویق ملتش به قیام و ایستادگی در برابر آنان، اشعار وطنی پر نغزی بسراید. از برجسته‌ترین قصائد طوقان در این زمینه، قصیده «نشید فلسطین» است که در آن؛ عشق به وطن به عنوان یک مسأله دینی و از نشانه‌های ایمان مطرح شده است:

دینما حُبک یا هذا الوطن سرُّنا فیه سواءٌ و العلن
(دین ما عشق به توست ای وطن! پنهان و آشکار ما در مورد آن؛ آشکار است.) (طوقان،

۱۹۹۳، ۲۶۲)

۵. بدبینی نسبت به حاکمان

یکی از وجوه اشتراک این دو شاعر در رویکرد ملی‌گرایانه آنان، سرزنش سران و رهبران وطن و انتقاد از سستی، ضعف و بی‌توجهی ایشان به منافع و مصالح کشور است. بهار هیچ‌گاه آرزوهای خود را در شخصیت احمد شاه، محقق ندید. او در سال ۱۲۹۶ با سرودن قصیده «شه نادان» در حالی که کاملاً از اقتدار پادشاه ناامید است؛ وی را به خاطر بی‌توجهی به

اوضاع نابسامان کشور ملامت می‌کند:

این چنین بود احمد قاجار
دل شه خوش بود به سیم و زرش
شاه مشروطه بود و کم آزار
وز رعیت نداشت دل خَبَرش

(بهار، ۱۳۸۰، ۱/ ۱۴۰)

او در سال ۱۳۰۸ با سرودن مثنوی «کارنامه زندان» با متهم کردن رضاخان به ستم بر مردم، وی را از خشم آنان بیم می‌دهد:

پادشاهها خوی تو دلبد نیست
وای بر شاهی که رعیت کش است
جان رعیت ز تو خرسند نیست
حال خوش ملت ازو ناخوش است

(همان، ۱۱۰)

مشهورترین قصیده ابراهیم هم در انتقاد از ضعف و سستی رهبران وطنش، قصیده «یا سِراة البلاد» اوست:

۱- یا سِراة البلاد یَکفی البلادا
ما أذابَ القلوبَ و الأکبادا
۲- وعدُّ بلفور دکها فلماذا
تَجعلون الأناقضَ منه رمادا
۳- وطنٌ بائسٌ یباع و أنتم
لا تزالون تَخدعون العبادا

(طوقان، ۱۹۹۳، ۵۸)

۱- ای سردمداران کشور آنچه که قلبها و دلها را ذوب می‌کند، برای این سرزمین کافی است. ۲- عهدنامه «بalfور» آن را ویران کرد؛ پس چرا خرابه‌های آن را تبدیل به خاکستر می‌کنید. ۳- وطن بیچاره‌ای که فروخته می‌شود و شما پیوسته این مردم را فریب می‌دهید)

و در جریان فروش زمین‌های فلسطین، توسط اهالی آن به یهودی‌ها، ابراهیم زنگ خطری را به صدا در آورد. او با سرودن قصیده «إلی بائعی البلاد» پدید آمدن شری دامن

گیر را گوشزد کرد:

بَاعُوا الْبِلَادَ إِلَىٰ أَعْدَائِهِمْ طَمَعًا
بِالْمَالِ لَكِنَّمَا أَوْطَانَهُمْ بَاعُوا
قَدْ يُعْذِرُونَ لَوْ أَنَّ الْجُوعَ أَرْغَمَهُمْ
وَلِلَّهِ مَا عَطَشُوا يَوْمًا وَلَا جَاعُوا

(کشور را به دشمنان به خاطر طمع ثروت فروختند، ولی در حقیقت وطنشان را فروختند. اگر گرسنگی؛ آنان را ناچار به این کار کرده باشد، پس معذورند، ولی سوگند به خدا که آنان حتی یک روز هم تشنگی و گرسنگی نکشیدند.)

از مشهورترین قصاید سیاسی ابراهیم، قصیده‌ای با نام «أنتم» است که وجود کلماتی مانند (المخلصون، بیان، و اجتماع) در ابیات ابتدایی؛ سیاسی بودن آن را بیشتر جلوه‌گر ساخته و در آن با زبان طنز و سخره؛ خطاب به سردمداران حکومت می‌گوید:

۱- أَنْتُمْ (المخلصون) للوطنية
أَنْتُمْ حَامِلُونَ عِبَاءَ الْقَضِيَّةِ
۲- (و بیان) مِنْكُمْ يَعْدِلُ جَيْشًا
بِمُعَدَّاتِ زَحْفِهِ الْحَرْبِيَّةِ
۳- (و اجتماع) مِنْكُمْ يَرُدُّ عَلَيْنَا
غَايِبَ الْمَجْدِ مِنْ فَتُوحِ أُمِّيَّةِ
۴- فِي يَدِينَا بَقِيَّةٌ مِنْ بِلَادٍ
فَاسْتَرِيحُوا كِي لَا تَطِيرَ الْبَقِيَّةُ

(طوقان، ۱۹۹۳، ۲۱۵)

(۱- شما مخلص ملت و بر دوش کشنده مشکلات آن هستید. ۲- کلام شما به مانند سپاهی مجهز، تأثیر و نفوذ دارد. ۳- مجلسی که شما بر پا می‌کنید عظمت و شکوه بنی امیه را زنده می‌کند. ۴- تکه‌هایی از کشور هنوز در دست است، آسوده باشید نمی‌گذاریم از چنگمان برود.)

نکته قابل توجه در اینجا این است که بهار؛ بیشتر از طوقان وارد عرصه سیاست و مسائل سیاسی زمان خود شده و از افرادی؛ جانبداری یا با آنان مخالفت می‌کرده‌ف او با مبارزان و آزادی خواهان دوست و همراه بوده است.

۶. نکوهش بی تفاوتی مردم و تشویق آنان به مبارزه

بهار و طوقان علاوه بر انتقاد از عملکرد نادرست سردمداران مملکت در قبال وطن خود، مردم کشور خویش را نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بدبختی و گرفتاری وطنشان، سرزنش می‌کنند. هر دو شاعر معتقدند که ضعف و سستی مردم، سبب قدرت یافتن دشمنان و رهبران نالایق شده به همین دلیل از عملکرد و مواضع نادرست آنان در برابر رهبران خائن و وطن فروش، به شدت انتقاد می‌کنند.

در سال ۱۲۹۰ هنگامی که روس به ایران اولتیماتوم داد با سرودن مسمطی، این گونه؛ احساسات ناسیونالیستی مردم را تحریک نمود:

هان ای ایرانیان ایران اندر بلاست	مملکت داریوش دست خوش نیکلاست
مرکز ملک کیان در دهن اژدهاست	غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی کجاست؟
برادران رشید این همه سستی چراست؟	ایران مال شماست، ایران مال شماست

(بهار، ۱۳۸۰، ۲ / ۶۹۲)

ابراهیم نیز در این زمینه، قصیده‌ای به نام «یا موطنی» دارد که در آن با بیان مشکلات و گرفتاری‌های موجود در کشورش، از هم وطنانش به شدت انتقاد و آنان را سرزنش می‌کند و می‌گوید:

عَجِباً لِقَوْمِي مُقْعِدِينَ وَ نَوْمًا ۚ وَ عَدُوَّهُمْ عَنِ سُحْقِهِمْ لَا يَنْشِينِي

(طوقان، ۱۹۹۳، ۵۷)

(شگفتا از قومم که نشسته و در خوابند در حالی که دشمن از لگدکوب کردن آنان دست

برنمی‌دارد.)

لَا سَمَتَ أُمَّةٍ دَهَتْهَا خُطُوبٌ ۖ أُرَهَقَتْهَا وَ لَا يَشُورُ فَتَاهَا

(همان، ۳۰۱)

(امتی که مصیبت‌ها بر آنها وارد شود، و آنها را خسته نماید و مردانشان قیام نکنند، سعادت‌مند نمی‌گردند)

هر دو شاعر در لا بلای اشعارشان در مورد از دست رفتن وطن به مردم اخطار می‌دهند. ابراهیم برای تحریک غیرت مردم و بیدار کردن آنها با حالتی ناامیدانه در مورد از دست رفتن وطن هشدار می‌دهد و وطن را در مقابل چنین دشمن نیرومند و بی‌رحمی، از دست رفته و مردمش را آواره می‌بیند:

يا قومُ لیسْ عَدُوکُمْ مِمَّنْ یَلینُ و یرحَمُ
يا قومُ لیسْ إمامکم إلا الجلاء فحزَموا

(همان، ۳۴۶)

(ای قوم! دشمن شما موجودی نرم‌خو و دل‌رحم نیست. ای قوم هیچ راهی جز ترک وطن ندارید، پس آن را ترک کنید.)

طوقان از بی‌مبالاتی مردمش به ستوه آمده و با یادآوری گروه مبارز «سار» در فرانسه آرزوی داشتن چنین جماعتی را برای آزادسازی کشورش دارد.

۱- لیت لی من جماعه «السار» قوماً یثفانون فی خلاص البلاد
۲- او کایمانهم رسوخاً و عمقاً ثابت الأصل فی قرار الفؤاد
۳- لا کایمان من تری فی فلسطین قصیر المدی، کلیل الزناد

(همان، ۳۹۵)

(۱- ای کاش من قومی مانند گروه «سار» داشتم که برای رهایی کشور؛ خود را فنا می‌کردند. ۲- و یا ایمانی راسخ و عمیق، وجود داشت، مانند ایمان آن‌هایی که قلبشان را محکم و استوار کرده است. ۳- نه همچون ایمان کسانی که در فلسطین می‌بینی، که مانند جرقه‌ای در دل آتش؛ کوتاه مدت است.)

هر دو شاعر جوانان را به مبارزه، مقاومت و ایثار و فداکاری در راه وطن دعوت می‌کنند.
بهار در این زمینه می‌گوید:

ای جوانان غیور فردا پردل و باشرف و زیرک سار
پاک سازید ز گرگان دغا حرم پاک وطن را یک بار

(بهار، ۱۳۸۰، ۱ / ۵۶۵)

و ابراهیم در این زمینه می‌گوید:

مَرَحَى لَشَبَابِ الْبِلَادِ فَمَا لَهُمْ إِلَّا السَّمَوِّ إِلَى الْعُلَى مِنْ دِيدِنِ
نَهَضَ الشَّبَابُ يَطَالِبُونَ بِمَجْدِهِمْ يَا أَيُّهَا الْوَطَنُ الْمَجِيدُ تَيْمِنِ

(طوقان، ۱۹۹۳، ۵۷)

(غرور من به خاطر جوانانی است که عادتاً هدفی جز رسیدن به بزرگی ندارند. ای وطن بزرگ! این جوانان برخاسته‌اند درحالی که مجد و عظمت خود را مطالبه می‌کنند.)
طوقان در یکی دیگر از اشعارش می‌گوید:

يا شبابتنا انهضوا ان ان ننهضا
انهضوا و ارفعوا مجدكم خالد

(همان، ۵۲۲)

(ای جوانان وطن! بپا خیزید که زمان آن رسیده که بپا خیزیم. بپا خیزید و مجد و عظمت
والا و جاویدان خود را زنده کنید.)

نکته‌ای که در این جا وجود دارد این است که به دلیل پاکی فطرت جوانان، هر دو شاعر
جوانان را مخاطب خویش قرار داده؛ تا بلکه به کمک شعله‌ور شدن حس ناسیونالیستی آنان؛
باعث تغییر اوضاع شود.

۷. در هم آمیختن گرایش‌های ملی با باورهای دینی

هر دو شاعر در خانواده‌ای نشو و نما یافته‌اند که در آن پابندی به اصول و ارزش‌های دینی، بسیار محکم بود، بنابراین گرایش مذهبی در اشعار این دو شاعر جلوه‌گری خاصی یافته است. بهار دین و اندیشه‌های مذهبی را نه تنها مانع اصلاحات نمی‌داند بلکه آن را برای عدم انحراف جریان‌های سیاسی، لازم می‌بیند:

بی علمی و افلاس دل ما بخراشید آوازه دین مانع اصلاح نباشد
جمهوری ایران سر دین را نتراشد این حرف در این مملکت امروز جفنگست
آزادی و اصلاح بود لازم و واجب مشروطیت از ما نکند دفع معایب
(بهار، ۱۳۸۰، ۱ / ۹۲)

«کار ایران با خداست» عنوان مستزادی است که بهار در سال ۱۳۸۶ یعنی در اواخر سلطنت محمد علی شاه، و در نکوهش جمهوری سروده است و در آن گفته است که مسلمانی با ستمگری در تضاد است:

پادشه خود را مسلمان خواند و سازد تباه خون جمعی بی گناه
ای مسلمانان در اسلام این ستم‌ها کی رواست کار ایران با خداست

(همان، ۱۲۷)

گرایش به مذهب و قرآن نیز در اشعار طوقان موج می‌زند. خواهرش فدوی طوقان در مورد وی می‌گوید: «از مهم‌ترین ابزارهایی که به ابراهیم کمک می‌کرد تا علی‌رغم کم سن و سال بودنش شعر را نیکو بسراید، توجه زیاد وی به قرآن کریم و تلاوت متفکرانه آن بود که این امر، اثری عمیق در فصاحت و بلاغت او ایجاد می‌کرد» (طوقان، ۱۹۷۷)، ۶۵. به اعتقاد ابراهیم؛ قرآن، قانون کامل استقلال؛ و آیاتش اصول ثابت آزادی و کرامت و سروری است، بنابراین پیوسته از مسلمانان می‌خواست تا به آن تمسک جویند و آن را به عنوان مشعلی

برای روشن کردن راه‌های تاریک زندگی قرار دهند:

- ۱- حریّةُ آی الکتاب و سوؤدّد و عزیمةُ و کرامهُ و اِبَاءُ
- ۲- نادیت قومی لا اُخصّص مسلماً ابناء یعرب فی الخطوب سواء
- ۳- إنّ الکتاب شریعةُ استقلالکم فتدبروا و اَنتم الخلفاء

(طوقان، ۱۹۹۳، ۱۷۲)

(۱- آیات قرآن؛ آزادی و سروری و کرامت و غرور است. ۲- قومم را صدا زدیم (با قومم سخن گفتیم) و این کار را فقط به مسلمانان اختصاص ندادیم، چرا که عرب در هنگام گرفتاری‌ها با هم مساوی هستند. ۳- این کتاب (قرآن) قانون استقلال شماست؛ پس در آن تدبّر کنید در حالی که شما جانشینان (خدا بر روی زمین) هستید.)

۸. استعمارگران و وطن

"کشورهای استعمارگر تلاش می‌کردند که در سرزمین‌های تحت حکومت خود، سیطره عقل‌گرایی را رواج دهند و مردم را از توجه به "عشق" و "خود" باز دارند زیرا هنگامی که ملت خود گم‌شده خویش را باز یابد و کمر همت بندد، با تلاش، تکاپو و اراده، می‌تواند در برابر استعمار ایستادگی کند" (ممتحن، ۱۳۸۸، ۲۵۴)

بهار حوادث فراوانی به خود دیده و زندگی او فراز و فرود بسیار داشته است، اما او «در هر موردی که دچار تناقض شده باشد، در مبارزه علیه استعمار روس و انگلیس هرگز دچار تناقض نشده و کوتاه نیامده است.» (فلاح: ۱۳۸۳، ۲۱۱) بهار معتقد است که پیشرفت ملت در دوری از بیگانگان و استعمارگران است او در قصیده‌ای که بعد از بر تخت نشستن محمد علی شاه سرود او را نصیحت می‌کند تا بر آن‌ها تکیه نکند:

اجنبی‌یار گردد؟ نگرود خصم، غمخوار گردد؟ نگرود

آن که بیمار را زهر داده است خود پرستار گردد؟ نگردد
و آن که صد بی وفایی به ما کرد او وفادار گردد؟ نگردد
زین سبب چاره صلح و سداد است روز یکرنگی و اتحاد است

(بهار، ۱۳۸۰، ۱ / ۳۳۳)

نکته‌ای که در این قصیده وجود دارد این است که چون مخاطب بهار محمد علی شاه بوده در این صورت از استفهام انکاری بهره برده که جوابش برای مخاطب معلوم است تا تأثیر عمیق‌تری در وی ایجاد کند.

بهار در قصیده‌ای در سال ۱۳۰۴ در تحلیل جمهوری و عملکرد رضاخان علاوه بر قانون شکنی و خودکامگی و وابستگی او به بیگانگان و دست نشانده بودنش را هم مطرح کرده است:

انگلیسان رضای سارق را اندرین ملک شه رضا کردند
طفل آن دزد بی‌مروت را اندر این ملک پادشاه کردند

(همان، ۲ / ۵۶۳)

ابراهیم نیز در مقابل توطئه‌هایی که برای وطنش چیده شده بود، بدون هیچ شبهه و تردیدی پایداری نمود. وی شاهد فعالیت‌های استعمارگران بود و تلاش‌های پیدا و پنهان یهودیان را در راه خرید و غصب روز افزون فلسطین درک می‌کرد. این آگاهی در شعر وی، به صورت نهیب‌های حماسی قابل ملاحظه است:

لنا خصمان ذو قول و طول و آخر ذو احتیال و اقتناص
تواصلوا بینهم فاتی وبالاً و إذلالاً لنا ذاک التواص

(طوقان، ۱۹۹۳، ۳۵۳)

(ما با دو دشمن روبرو هستیم، یکی سخنگو و قدرتمند و دیگری فرصت طلبی فریبکار

است. آنان با هم متحد شدند و این اتحاد برای ما ذلت و خواری به همراه آورد.)
 در این قصیده چون مخاطب طوقان؛ مردم هستند از تصاویر خیالی بهره نبرده و به صراحت با آنان سخن گفته است که دشمنانشان؛ انگلیس و یهود هستند که علیه آنان با هم متحد شده و نباید بر ایشان اعتماد کرد چرا که در این صورت دچار خسران و ذلت و خواری می‌گردند.

هر دو شاعر، استعمار را به گرگی تشبیه می‌کنند که به دنبال دریدن گله است. بهار در ترکیب‌بند مفصلی که خطاب به محمد علی شاه سروده، استعمار را به گرگ و شیر تشبیه نموده است:

پاسبانان تا به چند این مستی و خواب گران / پاسبان را نیست خواب گران، سر بردار هان!
 گله خود را نگر بی پاسبان و بی شبان / یک طرف گرگ دمان و یک طرف شیر ژیان
 (بهار، ۱، ۱۳۸۰، ۵۶)

ابراهیم نیز در تشبیه مشابهی چنین می‌گوید:

و انظر به عینک الذئب / تعبُ فی أحواضها
 (طوقان، ۱۹۹۳، ۲۸۸)

(با چشمانت استعمار را بنگر که همچون گرگ‌هایی اموات را به غارت می‌برند)

۹. دعوت به اتحاد و همبستگی

بهار علت اساسی مشکلات وطن را حضور استعمارگران روس و انگلیس در ایران دانسته لذا همگان را به اتحاد بر ضد آنان فرا می‌خواند:

دفع اجانب را جدی شویم / لازم اگر شد متعدی شویم
 (بهار، ۱، ۱۳۸۰، ۱۵۸)

بهار اختلافات مذهبی را علت اساسی وجود تفرقه میان مردم می‌داند:

ثروت و ملک و ناموس ما را	برده این اختلافات مذهب
عزت ما به دو چیز بسته است	اتحاد اول و بعد مکتب
کاین دو، اول طریق ارشاد است	روز یکرنگی و اتحاد است

(همان، ۱/ ۱۸۷)

ابراهیم، مردم و به ویژه مسئولان و رهبران وطنش را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کند:

الله ثم الله ما ألقى التّضامنَ و الوفاءَ بورت مؤتمراً! تألفُ لانتزاع و لاشقاقا

(طوقان، ۲۸۹، ۱۹۹۳)

(پروردگارا! چه شیرین است اتحاد و همکاری! آفرین بر کنفرانسی که در آن نزاع و نفاقی وجود ندارد!)

۱۰. وصف شهیدان مبارزه در راه وطن

از نشانه‌های تعهد و عشق بهار و طوقان نسبت به وطنشان استقبال و علاقه آنان به هر عمل و کار وطن دوستانه و ملی گرایانه است. بهار با خاطره خوشی که از دلاوری‌های سردار ملی و سالار ملی آذربایجان داشت، بدون شک «خیابانی» را خلف صالح آن دلاوران؛ و جنبش او را مانند جنبش ستار خان، ملی و رهایی بخش می‌دانست. او در سال ۱۲۹۹ با سرودن ترجیع‌بند بلند بالای «خیابانی مظلوم» با بیت ترجیع «گر خون خیابانی مظلوم بجوشد سرتاسر ایران کفن سرخ بپوشد» ارادت و حمایت بی‌دریغ خود را از این جنبش اعلام نمود. بهار در این شعر، خیابانی را شهید راه آزادی و سمبل آن و رهبر تجدد خواهان نامیده که به دست دشمنان وطن، شهید گردید:

در دست کسانی است نگهبانی ایران
 کاشتن بزرگان را و ابقاء نمودند
 بر شیخ حسین و به خیابانی ایران
 کاصرار نمودند به ویرانی ایران
 گر خون خیابانی مظلوم بجوشد
 سرتاسر ایران کفن سرخ بپوشد

(بهار، ۱۳۸۰، ۱ / ۳۳۷)

شهید نیز در دیوان طوقان جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که در قصاید زیادی مستقیم یا غیر مستقیم درباره این موضوع سخن گفته است. به طور کلی قصایدی که در دیوان این شاعر درباره شهید دیده می‌شود، بدین قرار است: (الشهید)، (ذکری دمشق)، (البلد الکئیب)، (الثلاثاء الحمراء)، (الشریف حسن)، (فلسطین مهد الشهداء)، (فدائی)، (شریعة الإستقلال)، و (الخالدون).

طوقان در قصیده (الشهید)؛ شهید را چنین توصیف می‌کند:

۱. لا تَقُلْ أَيْنَ جِسْمُهُ وَ اسْمُهُ فِي فَمِ الزَّمَنِ
۲. إِنَّهُ كَوَكْبُ الْهَدَى لَاحَ فِي غَيْهَبِ الْمَحْنِ
۳. أَرْسَلَ النُّورَ فِي الْعَيُونِ فَمَا تَعْرِفُ الْوَسْنَ
۴. وَ رَمَى النَّارَ فِي الْقُلُوبِ فَمَا تَعْرِفُ الضَّعْنَ

(طوقان، ۱۹۹۳، ۲۷۱)

(۱- از کجایی جسمش نپرس در حالی که نامش بر زبان زمانه جاری است. ۲- او ستاره هدایت است که در تاریکی محنت؛ درخشید. ۳- نور را به چشم‌ها عرضه داشت، پس (چشم‌ها) سنگینی خواب را نمی‌شناسند. ۴- و آتش را در قلب‌ها انداخت بنابراین (قلب‌ها) با کینه آشنایی ندارند.)

۱۱. سرزنش شاعران بی تعهد و بی تفاوت

قصیده معروف «لزنیّه» بهار، سرشار از مضامینی است که بیانگر عمق تفاوت جهان بینی بهار با شاعرانی در آن دوره است که فلاح و رستگاری ایران را در تقلید همه جانبه از مدرنیسم اروپایی می‌دیدند:

مباش غرّه به تقلید غریبان که به شرق
اگر دهد، هنر شرقی احترام دهد
تو شرقی‌ای به شرق اندرون کمالاتی است
ولی چه سود که غربت فریب تام دهد

(بهار، ۱۳۸۰، ۲ / ۶۷۲)

ابراهیم نیز شاعران عرب را به خاطر بی‌توجهی و عدم تعهد در برابر مسأله فلسطین و هم‌نژادان خودشان سرزنش می‌کند:

۱- كَمْ بِلَادٍ تَهْزُكُم لَيْسَ فِيهَا لَكُمْ جِیرَةٌ و لا إِخْوَانُ
۲- حَطْبُنَا لَا يَهْزُ (شوقی) وَلَكِنْ جَاءَ رُومًا فَهَزَّهُ الرُّومَانُ
۳- حَطْبُنَا لَا يَهْزُ حَافِظُ إِبْرَاهِيمَ لَكِنْ تَهْزُهُ الْيَابَانُ
۴- مَا لِمَطْرَانَ يَا فِلَسْطِينَ شَأْنُ بَكَ لَكِنْ لَه بِنِیْرُونَ شَأْنُ

۱- چه بسیار سرزمینی که احساسات شما را برانگیخت در حالی که نه همسایه و نه برادر شما بودند. ۲- سختی‌ها و مشکلات ما احساسات شوقی را برنمی‌انگیزد در حالی که رم و رومیان (اشاره به قصیده رومیه شوقی) احساسات او را برانگیخت. ۳- سختی‌ها و مشکلات ما احساسات حافظ ابراهیم را تحریک نکرد، در حالی که ژاپنی‌ها احساسات او را برانگیختند (اشاره به قصیده‌ی "غاده یابانیه" دختر ژاپنی، حافظ ابراهیم است) ۴- ای فلسطین خلیل مطران برای تو ارزشی قائل نبود ولی برای نرون (اشاره به قصیده نرون مطران) ارزش قائل

بود)

۱۲. تلاش برای احیا اقتدار و عزت گذشته

یاد گذشته روشن ایران در روح بهار موجی از شور و حماسه را برانگیخت. وی که از تاریخ ایران؛ مایه‌ها اندوخته بود و از سر وطن دوستی به آن عشق می‌ورزید، برای تشویق مردم به آزادی خواهی و جهاد علیه استعمار، همواره تاریخ درخشان کشورش را برای مردم یاد آوری می‌کرد، تا شاید رگ غیرت آن‌ها به جنبش درآید، و در مقابل متجاوزان بایستند. وی در قصیده «لزنیه» چنین می‌سراید:

آن روز چه شد کایران ز انوار عدالت	چون خُلد برین کرد زمین را و زمن را؟
و آن روز که پیوست به ارونند و به اردن	کورش کُر و وَخش و مرو و تَجَن را
و آن روز که کمبوجیه پیوست به ایران	فینیقی و قرطاجنه و مصر و عدن را
و آن روز کجا شد که ز یک حمله وهرز	بنهاد نجاشی ز کف اقلیم یمن را؟

(بهار، ۱۳۸۰، ۱ / ۲۰۶)

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که بهار همواره به گذشته خود افتخار می‌کرد ولی این افتخار را با حسرت برای مردم بیان می‌کرد و هدفش از این کار این بود که مردم با به یاد آوردن افتخارات گذشته خود، در مقابل بی‌لیاقتی پادشاه وقت بایستند؛ اما در اشعار طوقان این اشارات تاریخی کمتر از بهار، دیده می‌شود. ابراهیم گاهی به بزرگی و عزت گذشته وطنش اشاره می‌کند و امید بازگشت به آن دوران را دارد:

لا نُریدُ ذلَّنا المُوَبِّداً و عَیْشَنا المُنْکَدا لا نُریدُ بل نَعیدُ مجدنا التَّلید

(طوقان، ۱۹۹۳، ۵۱۲)

(خواری ابدی و زندگی مشقت بار را نمی‌خواهیم، بلکه عزت گذشته خود را باز

می‌یابیم.)

و گاهی عزت و اقتدار یافتن سایر کشورهای عربی را عزت یافتن خویش می‌داند:

فِتِيَةُ الْمَغْرِبِ هَيَّا لِلجِهَادِ نحنُ أولى النَّاسِ بِالْأندلسِ
نحنُ أبطالُ فتاها ابنُ زياد و لها نَرخصُ غالى الأَنْفَسِ

(طوقان، ۵۱۴، ۱۹۹۳)

ای جوانان مراکشی! برای جهاد شتاب کنید و به سوی آندلس هجوم آورید، زیرا ما به آن سزاوارتریم. ما پهلوانانی هستیم که طارق بن زیاد جوانمرد آن (گروه قهرمان) است و جان گران بها را برای به دست آوردن آن ناچیز می‌دانیم)

۱۳. نکوهش روزنامه‌ها و روزنامه نگاران

بهار در جواب روزنامه انگلیسی «شرق نزدیک» که از وجود فساد و نیرنگ و خدعه در مرکز ایران گزارشی داده بود، چنین می‌گوید:

گویند مرکز وطن ما بوَد خراب
انگار از این فساد نداریم و روشن است
از بس فساد و خدعه در آنجا گرفته جای
لیک خدا گواست که در مهدِ عافیت
تاریکی و خرابی این مَلْعنتِ سرای
اغیار حيله گر و دغل باز ناگهان
پاک و نجیب و رادِ پیروردمانِ خدای
در ما فرو شدند و دگر گشت روی و رای

(بهار، ۱۳۸۰، ۲/ ۴۸۲)

ابراهیم نیز به دلیل حمایت روزنامه‌ها از دلان زمین، به شدت از روزنامه نگاران انتقاد می‌کرد:

أَمَّا سَمَاسِرَةُ الْبِلَادِ فَعُصْبَةٌ عَارُ عَلَى أَهْلِ الْبِلَادِ بَقَاؤُهَا
و من العجائب إن كُشِفَتْ قُذُورُهُمْ أَنَّ الْجِرَائِدَ، بَعْضَهُنَّ، غَطَاؤُهَا

(طوقان، ۱۹۹۳، ۲۱۲)

(اما دلایان کشور، گروهی هستند که ماندنشان ننگی برای مردم است. و از چیزهای شگفت‌انگیز؛ این است که اگر پلیدی‌های آنان آشکار شود؛ بعضی روزنامه‌ها سرپوشی برای آن می‌گردند.)

طوقان، روزنامه نگاران را به خاطر وجود بی‌عدالتی فراوان در روزنامه‌ها بیم می‌دهد:
 للحق سطرٌ فی صحافتنا و للتضلیل نهرٌ قلبٌ صحائفها یطلُّ علیک بهتان و هجرٌ
 (همان، ۳۰۳)

(حق در روزنامه‌ها به اندازه سطری است و گمراهی به اندازه رودی. ای روزنامه‌ها آن را دگرگون کنید چرا که در غیر این صورت بهتان و ناسزا بر شما؛ چیره می‌شود.)
 نکته جالبی که در این اینجا وجود دارد؛ این است که هر دو شاعر به روش زیبایی اعتراض خود را از عملکرد روزنامه‌ها ابراز نموده‌اند؛ بهار با تأیید مطالب روزنامه انگلیسی مبنی بر وجود فساد در ایران، علت این فساد را به وجود خود انگلیسی‌ها در این مرز و بوم ربط داده است. ابراهیم نیز با ابراز افسوس از عدم حق‌گرایی روزنامه‌ها، احساسات روزنامه نگاران را برای توجه به مصالح ملی تحریک کرده است.

۱۴. ابداع و نوآوری در بیان اشعار ملی دو شاعر

بهار پس از ورود به صف مشروطه خواهان، رنگ و بویی تازه و لحنی معترضانه به اشعارش می‌دهد و غالباً از جهت محتوا و گاه از لحاظ فرم و زبان به نوآوری‌های محتاطانه دست می‌زند. مثلاً قالب‌هایی چون مسمط و مستزاد به کار می‌گیرد:

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست کار ایران با خداست

تصنیف‌های بهار از جمله آثار جاودانه اوست که همه آن‌ها؛ جنبه وطن‌خواهی و انتقادی دارد و آهنگشان را موسیقی‌دانان بزرگ زمانه ساخته‌اند که می‌توان در این زمینه به تصنیف

«مرغ سحر» اشاره کرد که بر سر زبان‌هاست:

مرغ سحر ناله سر کن داغ مرا تازه‌تر کن

(بهار، ۱۳۸۰، ۲ / ۵۶۸)

اوج نوآوری‌های او در قالب و زبان، شعر «سرود کبوتر» است که در سال ۱۳۰۱ سروده شده است.

ابراهیم طوقان که خود را دور از وقایع سیاسی پیرامونش نمی‌بیند، نمی‌تواند در قالب‌های سنتی قصیده، پیام‌های بیدار باش و طنزهای نیشدارش را به گوش فرزندان میهن و زمین خواران وطن فروش برساند، اما در این دوگانگی محو نمی‌شود بلکه در هر حالتی، سخن شایسته آن را بیان می‌کند. گاه شاعری تواناست در دنیای قدیم؛ و گاه مردی است صبور از دل مردم با گویش آشنای آن‌ها؛ که از سرودن و خلق مفاهیم جدید با این زبان ابایی ندارد. «اگرچه این انتظار ما از شعر که از دل مردم و با زبان آن‌ها بوده و در عین حال به گویش روزمره نباشد، تناقضی آشکار است، اما این حقیقت رمز و راز زیبایی شعر است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۷۲) ابراهیم طوقان از موفق‌ترین تلفیق‌کننده‌های این تناقض است. او زیباترین ترانه‌های ملی را با اصطلاحاتی جدید و در عین حال، قابل فهم برای عموم سروده است:

- ۱- مَجْدُ الْبِلَادِ بِالشَّبَابِ الْعَامِلِينَ
- ۲- وَ الْاجْتِهَادُ لِلْعَلَى نَهْجُ مَبِينِ
- ۳- هُبُّوا إِذْنَ وَاجِنُوا الثَّمَنَ عِزِّ الْوَطَنِ

مدی السنین

(طوقان، ۱۹۹۳، ۵۱۹)

(۱- سربلندی میهن در تلاش جوانان است. ۲- و کوشش برای برتری، راهی آشکار

است. ۳- به جنبش درآیید و بهای سرافرازی وطن را در طول سالیان؛ برچینید.)
از دیگر سروده‌های ابراهیم طوقان در قالب نو؛ می‌توان به (تفاؤل و الأمل)، (فلسطين الشهداء)، (أطلقى ذاك العيارا)، (الشهيد)، (الثلاثاء الحمراء)، (فتية المغرب) و (بطل الريف) اشاره نمود.

از دیگر ابداعات در عرصه شیوه‌های بیان، این بود که طوقان تناقض گویی و تهکم را در اشعار ملی و سیاسی در شعر عربی معاصر به وجود آورد. زیرا تا آن زمان، «شعراء عموماً از اسلوب‌های غضب آلود برای بیان مسائل و مشکلات ملی و سیاسی استفاده می‌کردند.» (الخضراء الجیوشی: ۱۹۹۷، ۳۶۷) وی در قصیده «أیُّها الأقبیاء» خطاب به انگلیس می‌گوید:

۱- قد شهدنا لِعَهْدِكُمْ (بالعدالة) و حَتَمْنَا لِحُنْدِكُمْ بِالْبَسَالَةِ!

۲- و عَرَفْنَاكُمْ صَدِيقًا وَفِيًّا كَيْفَ نَنْسَى اِنتِدَابَهُ وَ اِحْتِلَالَهُ

۳- و خجلنا (من لطفكم) يومَ قَلْتُمْ وَعَدُّ بَلْفُورٍ نَافِذٌ لَا مَحَالَةَ!

۴- أ جلاء عن البلاد تریدون فنجلوا، أم محقنا و الإذاله!

(طوقان، ۱۹۹۳، ۳۳۱)

۱- ما به عدالت خواهی شما اذعان داریم، و می‌پذیریم که سربازان شجاعی دارید. ۲- شما را به عنوان دوستی وفادار می‌شناسیم، (پس) چگونه قیّم شدن و اشغال آن (وطن) را فراموش می‌کنیم. ۳- روزی که گفتید معاهده بالفور؛ قطعاً لازم الاجراء است؛ از لطف شما خجالت کشیدیم. ۴- آیا از ما؛ ترک وطن می‌خواهید، پس ترک وطن می‌کنیم. (ترک وطن که چیزی نیست!) دلتان می‌خواهد ما را ریشه کن کنید، بگویید.)

۱۵. نتیجه

ادبیات مقاومت ایران و فلسطین بنا بر دلایل عدیده تاریخی، سیاسی و اجتماعی آکنده

از روح مقاومت است. انسان‌هایی واقع بین و کمال گرا پس از رویارویی با ستم و بیداد در ایران و فلسطین به دنبال اجرای رسالت انسانی خویش حرکت می‌کنند. شاعرانی چون، بهار و طوقان عاطفه صادق و سیال خویش را در قالب کلماتی آتشین ریخته؛ از سویی توجه همگان را به طغیان و بیداد جلب کرده و از دیگر سو، انجام وظیفه و حفظ کرامت انسانی را به آنان یادآور می‌شوند.

هم‌زمان با انقلاب مشروطه و سال‌های پس از آن، شاعرانی ظهور کردند که یکی از مضامین مشترک سروده‌ای ایشان وطن خواهی بود؛ تا آنجا که میهن پرستی یکی از خصیصه‌های سبک شعر مشروطه به شمار می‌رود. ملک‌الشعرا بهار از جمله شعرابی است که در وطن پرستی او تردیدی نیست. شعر بهار ترجمان آزادی اوست، شاید بیشترین دغدغه بهار همین آزادی بوده است که هر که نام از او می‌شنود، بی‌اختیار به یاد این آرمان والای بشری می‌افتد. این مفهوم پیش‌تر در ادبیات ما وجود نداشته است و سابقه‌ای بر آن متصور نیست.

از آنجایی که حیات واقعی و رشد یک ملت به مقاومت و پایداری در برابر ستم؛ وابسته است، تا این مقاومت باقی بوده، ادبیات مقاومت نیز جهت تشویق مردم به نجات و دفاع از ارزش‌های اعتقادی و ملی در برابر مهاجمان لازم است. ادبیات مقاومت ایران و مخصوصاً فلسطین که هنوز تحت ستم و اشغال‌اند، میراث بسیار ارزنده‌ای بوده که لازم است ارج نهاده شود و تا این مقاومت باقی بوده، بالندگی ادبیات مقاومت فلسطین نیز لازم است و این رسالت بر دوش ادبای متعهد است. شعر انقلاب فلسطین از نظر بیشتر ناقدان ادبی، شعر انقلابی متعهد در قبال مردمی است که خود رکن اصلی انقلاب به شمار رفته و این شعر، جزئی از انقلاب مسلحانه آن است، زیرا انقلاب مسلحانه فلسطین با مشارکت ادب و هنر شکل گرفته است.

کتابنامه

- امین پور، قیصر، (۱۳۸۴)، «سنت و نوآوری در شعر معاصر معاصر»، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بکار، یوسف، (۲۰۰۴)، «ابراهیم طوقان أضواء جديدة»، الطبعة الأولى، بیروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- بهار، ملک الشعراء، (۱۳۸۰)، «دیوان»، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.
- حسن زاده، رسول، (۱۳۸۵)، «حاکمیت و رهبری در اندیشه بهار»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء (س)، سال شانزدهم، شماره ۶۱
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۸) «درآمدی تطبیقی بر شعر فارسی و اردو در دوره مشروطه» نشریه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۹
- الخضراء الجیوسی، سلمی، (۱۹۹۷)، «موسوعة الأدب الفلسطینی المعاصر»، بیروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- (۲۰۰۱)، «الإتجاهات و الحركات فی الشعر العربی المعاصر»، الطبعة الأولى، بیروت، مرکز الدراسات الوحدة العربية.
- روشن فکر، کبری، (۱۳۸۶)، «ابراهیم طوقان پایه گذار شعر مقاومت»، مجله الجمعية الإيرانية للغة العربية، شماره ۸
- زَین کوب، عبد الحسین، (۱۳۷۳)، «بهار، ستایشگر آزادی»، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سخن.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، «شعر معاصر عرب»، انتشارات سخن، تهران.
- طوقان، ابراهیم، (۱۹۹۳)، «الأعمال الشعرية الكاملة»، الطبعة الثانية، بیروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- طوقان، فدوی، (۱۹۷۷)، مجله البیان، کویت، شماره ۱۳۸.
- فلاح، غلامعلی، (۱۳۸۳)، «حضور سیاسی بیگانگان در دیوان ملک الشعراء بهار»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- المحاسنی، زکی، (۲۰۰۷)، «ابراهیم طوقان شاعر فلسطین فی حياته و شعره»، القاهرة، دار الفكر.
- محسنی نیا، ناصر و دانش، فاطمه، (۱۳۸۸)، «بررسی مفهوم وطن در اشعار بهار و رصافی»، نشریه ادبیات تطبیقی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره اول،
- ممتحن، مهدی، (۱۳۸۸)، «مقایسه ناسیونالیسم در اشعار ملی عارف قزوینی و ابراهیم طوقان»، نشریه

ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۰،
ممتحن، مهدی؛ و دیگران (۱۳۸۸) «نگرش تطبیقی بر رویکردهای سیاسی در دیوان الشابی و اقبال
لاهوری» نشریه ادبیات تطبیقی، شماره ۱۱
ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۰)، «از خاطرات ادبی درباره بهار»، به کوشش صدرالدین الهی، سال سوم، چاپ
دوم. تهران، انتشارات ایران شناسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی